

تحلیل جامعه شناختی عوامل سیاسی، اقتصادی موثر بر جنبش

دانشجویی پس از انقلاب اسلامی (از سال 1399 تا 57)

حسن خیری^۱ محمد حسین پوریانی^۲ پیمان عین القضاتی^۳

تاریخ پذیرش: 1399/11/16

تاریخ دریافت: 1399/07/19

چکیده:

توسعه جنبش دانشجویی بعنوان پیشران فعالیت های اجتماعی امروزه یکی از دغدغه های مهم نظام جمهوری اسلامی می باشد اما افت شاخص های جنبش دانشجویی ایران در سال های اخیر بیانگر اهمیت بالای نیاز به تفکر و اقدام در راستای توسعه آن می باشد و برای دستیابی به مدل نیاز به تحلیل اجتماعی جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی است که چگونگی و چرایی آنرا بیان می دارد. با توجه به ابعاد ذکر شده برای جنبش دانشجویی در ادبیات موجود از عناصر بسیار مهم عوامل سیاسی و اقتصادی می باشند که بر جنبش تاثیر می گذارد و نکته مهم مناسبات سیاسی و اقتصادی با جنبش می باشد از آنجا که تاکنون به این بعد از تحلیل جنبش دانشجویی توجه نشده است این پژوهش به دنبال یافتن چارچوبی برای تحلیل جنبش دانشجویی در فضای دانشگاه ها می باشد. پژوهش از نوع کیفی بوده و با استفاده از روش نظریه داده بنیاد با رویکرد نوظهور به تدوین چارچوب توسعه جنبش دانشجویی بر مبنای رابطه سیاست و اقتصاد با جنبش می باشد. داده برداری از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته با جمعی از دبیران اتحادیه ها و تشکل های دانشجویی و فعالان جنبش دانشجویی از ابتدای انقلاب تاکنون می باشد و طی مصاحبه با ۱۵ نفر اشباع نظری به دست آمده است. چارچوب نهایی پژوهش شامل دو الگوی تشخیص و تعیین افت جنبش دانشجویی و توسعه جنبش دانشجویی می باشد در الگوی تشخیص سه مقوله اصلی علل ضعف جنبش و نشانه های افت شاخص جنبش دانشجویی و عواقب منفی دیده می شود. همچنین در الگوی توسعه جنبش دانشجویی پنج مقوله اصلی شامل ماهیت های تقویت کننده، پدیده های محوری، راهبردها و پیامدها وجود دارد.

واژگان اصلی: اقتصاد، سیاست، جنبش دانشجویی، نظریه داده بنیاد

Hassan.khairi@gmail.com

1. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول).

mhpouryani@yahoo.com

2. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

taha_gh2006@yahoo.com

3. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

مقدمه

در دهه‌های ظهور جنبش دانشجویی از سوی دانشجویان متمرکز بر تحرکات دانشجویی معمولاً برای سیاسی کردن حوزه عمومی و نقد قدرت و تاثیرگذاری بر آن و غالباً همراه با آرمانگرایی های عدالت خواهانه چپ و در مقابله با تبعیض، بی عدالتی و اقتدار گرایی است. (نخعی، 1395، 34) برخی از مهمترین کارکردها و ماهیت جنبش دانشجویی نقد، روشنگری، آرمان خواهی، رابط و میانجی بودن جنبش دانشجویی برای بیان و انتقال خواسته های جامعه، بیان قاطع، خشن و پرخاشگرانه ی مشکلات جامعه، و... می باشد. (کریمیان، 1390، 85) اما نگاهی به وضعیت جنبش دانشجویی در دانشگاه‌ها پس از انقلاب اسلامی بیانگر فراز و فرودهایی این جنبش است که در سال های اخیر، اعلام موضع و صدور بیانیه از سوی تشکل های دانشجویی در ارتباط با رخداد های سیاسی کمتر دیده می شود. به عبارتی فضای کنونی "پوشی" است نه "جنبشی" و فردیت در بین دانشجویان زیاده شد کرده است. (جلایی پور، 1397، 25) سکوت و عزلت جنبش دانشجویی مشهود بوده و ثمرات آن تقلیل فعالیت ها و مشارکت های دانشجویی می باشد.

از آنجاکه جنبش دانشجویی زیر مجموعه جنبش های اجتماعی می باشد و جنبش های اجتماعی را پدیده های چندوجهی می دانند، ولی لازم است در تحلیل اجتماعی جنبش دریابیم که عوامل تعیین کننده ی آن چیست؟ در نظریه های جامعه شناسی، برای تحلیل پدیده های اجتماعی مکاتب و تقسیم بندی های گوناگونی وجود دارد و مهمترین دسته بندی آنها تقسیم نظریات به خرد و کلان یا عامل گرا و ساختار گراست. برخی از اندیشمندان موتور حرکت جنبش های اجتماعی را فرد یا عاملیت و گروهی دیگر ساختار ها را در نظر می گیرند. آلتوسر اولویت ساختارها را بر فهم و اراده عاملان بیان می کند. یعنی عاملان انسانی تحت الزام ساختار و جایگاه های برآمده از ساختارها هستند و عمل می کنند. به نظر آلتوسر، یک تشکل اجتماعی از سه عنصر بنیادی ساخته می شود اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی. کنش های متقابل این اجزای ساختاری، کل اجتماعی را در هر زمان می سازند. (ریتزر، 1374، 225) از نظر وبر، جامعه شناسان باید به بررسی کنش های افراد و معانی وابسته آن ها بپردازند. آنان باید بفهمند که چرا فردی کاری را انجام می دهد یا چیزی می گوید و نیز باید بفهمند افراد چه معنایی به وضعیت های گوناگون نسبت می دهند. آنچه مورد توجه وبر بود کنش ها و معانی بودند. از نظر او فهم این نکته از اهمیت برخوردار است که چه طور افراد به کنش هایشان معنا می بخشند. نکته دیگر آن که افرادی مانند پیر بوردیو و آنتونی گیدنز در تلاش هستند که نظریه جامعه شناسی را از دوگانه انگاری عاملیت و ساختار نجات دهند.

اما به هر حال این سوال به ذهن می‌رسند که چه مولفه‌هایی می‌توانند جنبش دانشجویی را در دانشگاه‌ها به لحاظ ساختاری تقویت یا تضعیف کنند؟ در پاسخ به سوال مطرح شده می‌توان گفت جنبش دانشجویی در دانشگاه‌ها با عوامل سیاسی و اقتصادی در تعامل است. در این میان عوامل فوق‌کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است.

بنابر اهمیتی که توسعه جنبش دانشجویی در جامعه برای رشد و تعالی آن نیاز دارد تدوین چهارچوبی برای ارتباط مولفه‌های این سازه با سازه‌های سیاسی و اقتصادی در جهت توسعه جنبش دانشجویی ضروری است از این رو لازم است در طی یک پژوهش توسعه‌ی، به بررسی رابطه عوامل سیاسی و اقتصادی با جنبش دانشجویی پرداخته شود و به تبیین این مهم پرداخته که عوامل سیاسی و اقتصادی تا چه اندازه می‌تواند جنبش دانشجویی را در دانشگاه‌ها بهبود بخشد؟

این تحقیق تلاشی است در جهت تبیین و تشریح رابطه و بررسی کارکردها و نتایج تاثیر گذاری سیاسی و اقتصادی بر جنبش دانشجویی که نهایتاً عملکرد آن را بهبود بخشد لذا هدف اصلی پژوهش حاضر معرفی و تبیین چهارچوب تحلیل اجتماعی جنبش دانشجویی مبتنی برعوامل سیاسی و اقتصادی پس از انقلاب اسلامی در جامعه آماری منتخب از فعالان جنبش دانشجویی ایران است.

ادبیات نظری

1.1 جنبش دانشجویی: جنبش دانشجویی به معنای عمل جمعی، اختیاری، داوطلبانه و جهت‌دار دانشجویی برای ایجاد تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی است، جنبش دانشجویی به کوشش جمعی دانشجویان برای پیشبرد یا مقاومت در برابر دگرگونی اجتماعی در جامعه‌ای که خود جزئی از آن هستند هم، اطلاق می‌شود. پس، هر عمل جمعی دانشجویی، جنبش دانشجویی نیست بلکه جنبش دانشجویی، به یک حرکت جمعی گفته می‌شود که افراد آن، به قصد ایجاد تغییر و تحول سیاسی - اجتماعی پا پیش می‌گذارند، البته ممکن است، گاهی بخواهند در مقابل برخی تغییرات و تحولات سیاسی - اجتماعی بایستند. این افراد، جمع خود برانگیخته‌ای هستند که تغییر و تحول را جست‌وجو می‌کنند. این تغییر و تحول، می‌تواند دامنه وسیعی داشته باشد که از تحول در فکر و اندیشه تا ایجاد تغییر در نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره را در برگیرد. (خرمشاد، 1384، 79) پس در این تعریف بر تغییر و تحولات سیاسی که همان سیاست دولت‌ها می‌باشد تاکید شده است. طبق نظریه کارکردگرایانه ظهور جنبش‌های دانشجویی پاسخی به نارسایی نهادهای دانشگاهی در برابر شرایط جدید در دانشگاه‌هاست در نگاه کارکردی و با توجه به شرایطی که در آن ساختار اداری و

آموزشی دانشگاه‌ها فاقد انعطاف و کارایی لازم برای پاسخگویی به نیازهای انبوه دانشجویان است بر کارکرد هویت بخش جنبش‌های دانشجویی تاکید می‌شود بر همین اساس پس از اوج گیری جنبش‌های دانشجویی در آمریکا و اروپا در دهه ۱۹۶۰ کوشش فراوانی شد که ساختار اداری و آموزشی دانشگاه‌ها به گونه‌ی متحول، منعطف و کارا شود که امروزه دانشجویان گوناگون و تشنه هویت جدید بتوانند در فضای دانشگاهی از طرق قانونی و آرام خواسته‌ها و هویت خود را ابراز کنند (باربیه موریس، ۱۳۸۳، ۳۸) یعنی ساختارهای درونی و بیرونی دانشگاهها در شکل گیری جنبش دانشجویی تاثیر مستقیم دارد. بر اساس نظریه فرهنگ سیاسی، جنبش‌های دانشجویی عامل و مولد فرهنگ جدید سیاسی در جامعه معرفی می‌شوند. بدین معنا که در جامعه، الگویی که از قبل جا افتاده است به صورت عادت از آنها پیروی می‌شود اما دانشجویان با تکرار شعارهای خود تلاش دارند هژمونی سیاسی تبلیغی دستگاه رسمی و حاکم بر جامعه را به چالش بکشند به بیان دیگر دانشجویان از میان اندیشه‌های روشنفکران یا از میان مفاهیم و نظریات گوناگون تعدادی از آنها را که مرتبط با نیاز زمان تشخیص می‌دهند بر می‌گزینند و مرتباً آنها را به منزله مطالبات خود در حرکت‌های جمعی تکرار می‌کنند و همین تکرار مفاهیم رفته رفته جا را برای فرهنگ و رفتار سیاسی جدید در جامعه باز می‌کند (جلایی پور، ۱۳۸۹) برای توسعه و رشد جنبش دانشجویی به ساختارهای درونی و بیرونی دانشگاه‌ها و سیاست دولت‌ها و بدیع و نوآورانه بودن نظرات روشنفکران در اقتناع دانشجویان می‌توان استناد نمود.

1-2. اقتصاد :

اقتصاد به یک نظام اقتصادی در یک یا چند منطقه جغرافیایی یا سیاسی خاص اطلاق می‌شود و در برگیرنده تولید، توزیع یا تجارت، مصرف کالاها و خدمات در آن منطقه یا کشور می‌باشد. یک اقتصاد مجموع کل ارزش معاملات میان فعالان اقتصادی نظیر افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی ملت‌هاست. اقتصاد، برآیند کلیه فرآیندهایی است که فرهنگ، ارزش، آموزش، تکامل تکنولوژیکی، تاریخ، سازمان اجتماعی، ساختار سیاسی، سیستم‌های قانونی، جغرافیا و همین‌طور مواهب طبیعی را دربر می‌گیرد. این عوامل زمینه، محتوا و شرایطی را تعیین می‌کند که یک اقتصاد در آن عمل می‌کند. برخی فرهنگ‌ها اقتصادهای مولدتری را به وجود می‌آورند و لذا ارزش یا تولید ناخالص داخلی بیشتری را تولید می‌کنند.

چگونگی توزیع عادلانه یا ناعادلانه ثروت و امکانات اقتصادی و نوع برنامه ریزی اقتصادی آهنگ

رشد و توسعه اقتصادی چگونگی وضعیت اشتغال از جمله موضوعات مهمی است که می‌تواند در ایجاد رضایت یا نارضایتی عمومی نسبت به دولت و برداشت دانشجویان از دولت و کارکردهای اقتصادی آن موثر باشد اگر آهنگ رشد و توسعه اقتصادی با توسعه و تحول آموزشی هماهنگ نباشد، اجتماع قابلیت جذب فارغ‌التحصیل در سطوح مختلف آموزشی را ندارد و در نتیجه بحران بیکاری پدید می‌آید. بیکاری موجب محرومیت و نارضایتی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و نیز باعث تضعیف آرامش روحی و حس امیدواری دانشجویان به آینده می‌شود. از طرف دیگر دانشجویان فقط به امکانات شغلی و سطح زندگی خود در آینده فکر نمی‌کنند بلکه به اوضاع اقتصادی زندگی توده‌های مردم در جامعه نیز حساسیت زیادی دارند نرخ رشد و توسعه اقتصادی توزیع نامطلوب درآمد ملی در میان اقشار اجتماعی و مناطق جغرافیایی کشور، تبعیض در شرایط استخدامی و حقوق و دستمزدها و فاصله طبقاتی در میان مردم، خطرهای گسترده را به دنبال دارد زیرا توده مردم عطش فراوانی برای بهبود وضع اقتصادی خود دارند و این موضوع به ویژه نزد دانشجویان که هدفشان از تحصیلات عالی تحرک اجتماعی و اقتصادی بیشتر است، شدیدتر می‌باشد بنابراین وضعیت نامطلوب اقتصادی مردم و نگرانی دانشجویان از آینده شغلی اش باعث سرخوردگی و عصیان روانی و فکری او می‌شود (کریمیان، 1390، 51)

1-3 سیاست: (به عربی: سياسة) یا پُلِیتیک (به فرانسوی: Politique) یا پالسی (به انگلیسی: Policy) شناخت، اتخاذ تصمیم تخصصی، پیاده‌سازی بهترین راه و روش برای منافع فردی یا گروهی و جمعی در برابر چالش‌های احتمالی یا پیشرو. در این میان معمولاً حکومت‌ها، عامل سیاست‌ورزی و موضوع عمل گروه‌ها، افراد و بخش‌های مختلف جمعیت هستند. به عبارت دیگر سیاست‌فعالیتی اجتماعی است که با تضمین نظم در نبردهایی که از گوناگونی و ناهم‌گرایی عقیده‌ها و منافع ناشی می‌شود، می‌خواهد به یاری زور - که اغلب بر حقوق متکی است - امنیت بیرونی و تفاهم درونی واحد سیاسی ویژه‌ای را تأمین کند. امروزه سیاست موضوع علمی مستقل و یکی از حقایق غیرقابل اجتناب زندگی بشر است. هم‌چنین سیاست به روندی گفته می‌شود که در آن شهروندان به اتخاذ یک تصمیم جمعی مبادرت می‌ورزند. به تعریف دیگر «سیاست کوششی اجتماع محور است که با تضمین انضباط در نبردهایی که از پراکندگی و ناهم‌گونی دیدگاه‌ها و منافع ناشی می‌شود، می‌خواهد به یاری زور - که اغلب بر حقوق متکی است و صرفاً جبر فیزیکی نیست! - امنیت بیرونی و تفاهم درونی رژیم سیاسی ویژه‌ای را تأمین کند.

ماهیت و کارکرد نظام سیاسی از مهمترین عواملی است که در گرایش سیاسی دانشجویان موثر می باشد ماهیت دموکراتیک نظام سیاسی برای توزیع قدرت انتخاب دولت مردان نمایندگان مجلس توسط مردم و وجود احزاب و گروه‌های سیاسی باعث افزایش مشروعیت سیاسی نظام سیاسی می شود در این فرایند معمولاً خواسته های عمومی از طریق نهادهای مدنی دولت انتقال می یابد و در نتیجه نارضایتی به صورت متراکم شکل می گیرد در این وضعیت فعالیت های دانشجویان کمتر جمعیت اعتراض سیاسی به خود می گیرد و عمدتاً متوجه خواسته های صنفی می شود اما در نظام های سیاسی که توزیع قدرت انجام نمی گیرد و نهادهای مدنی احزاب و گروه های سیاسی برای انتقال خواسته های مردم حضور ندارند و مردم در تعیین سرنوشت خود انتخاب دولتمردان و نمایندگان دخالتی ندارند دولت ها دچار بحران مشروعیت می شوند و نارضایتی به علت تراکم خواسته های مردمی و عدم انتقال آنها به تدریج شکل می گیرد و معمولاً در حالت فقدان و احزاب سیاسی مستقل و مطبوعات آزاد دانشجویان کارویژه های آن را به شکل جنبشی اعتراض آمیز بهمه می گیرد. در نظام های سیاسی بسته عدم امکان دسترسی شهروندان به رهبران سیاسی به کارگیری و استخدام کارگزاران بر اساس روابط شخصی و لیاقت و شایستگی و به ویژه تحصیلات و فقدان وسایل ارتباطی لازم برای انتقال خواسته ها به دولتمردان، از جمله عوامل گرایش سیاسی انتقادآمیز افراطی دانشجویان است در چنین وضعی، دانشجویان احساس می کند به افکار و شخصیت سیاسی اجتماعی او توجه کافی نمی شود و رهبران هم توجهی به لزوم ایجاد وسایل و تسهیلات لازم برای برقراری ارتباط با دانشجویان ندارند از این رو نسبت به حساب و ماهیت رژیم حاکم بدبین می شوند و به تدریج از همکاری با آن احتراز می کنند یا بر ضد آن تجهیز و بسیج می شوند (کریمیان، 1390، 50)

2. پیشینه تحقیق:

در زمینه تحلیل عوامل اجتماعی جنبش دانشجویی پیش از این نیز تحقیقات ارزشمندی به بررسی ابعاد مختلف جنبش دانشجویی پرداخته اند: برخی از این آثار عبارتند از: علی اسماعیلیان (1378) با پژوهشی با عنوان "بررسی جنبش دانشجویی در نظام جمهوری اسلامی ایران" به بررسی پروسه تأثیر جنبش دانشجویی و نقش آن در ظهور و تداوم انقلاب اسلامی می پردازد و جنبش دانشجویی را از دو زاویه مختلف یکی پرداختن به ویژگی های دانشجو به عنوان عنصر اصلی حرکات اجتماعی و

دیگر عملکرد و مواضع جنبش در رابطه با دولت و حکومت مورد توجه و پژوهش قرار داده است. دکتر حمیدرضا جلالی پور در مقاله‌ی با عنوان (فهم جنبش دانشجویی در ایران با تأکید بر فعالیت‌های دانشجویی در دوره اصلاحات 1376-1384) نتیجه می‌گیرد که جنبش دانشجویی ازین نخواهد رفت. این جنبش از طریق تأثیر برافکار عمومی به مبارزه برخاسته است. این جنبش نباید از اهداف دائمی در دانشگاه دست بردارد. حسین بشیریه (1380) هدف اصلی جنبش‌های دانشجویی را متنوع کردن حوزه سیاسی جامعه از طریق مباحثه دموکراتیک می‌داند. بشیریه در مورد تعامل جنبش‌های دانشجویی با قدرت و نظام‌های سیاسی نیز بیان می‌دارد: "به نظر من نباید ماهیت این گونه جنبش‌های اساساً فکری و روشنگر و نقاد با ماهیت گروه‌های قدرت طلب و ذی نفوذ خلط شود یعنی باید جنبش دانشجویی استقلال سیاسی داشته باشد".

در حوزه مطالعات خارجی با موضوع جنبش دانشجویی، تغییر پایه‌های اجتماعی جنبش دانشجویی آمریکا³ که توسط میلتن مکاف و ریچارد فلکس در سال 1971 در دانشگاه ویسکانسین انجام شده است به بررسی تغییرات زمینه‌های اجتماعی شرکت‌کنندگان در شورش‌های دانشجویی می‌پردازد و عواملی از قبیل ساختار طبقاتی جامعه، استبدادی بودن ساختارهای سیاسی و... را در جنبش‌های دانشجویی 1960 آمریکا مطالعه می‌کند و نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دانشجویانی که از طبقه اجتماعی متوسط هستند، در شهرهای نسبتاً بزرگ ساکنند و والدین آنها دارای تحصیلات بالاتری هستند، بیشتر در فعالیت‌های سیاسی دانشگاه‌ها شرکت می‌کنند.

"دانشجویان و سیاست" که توسط جوا رابرتو و مارتینز فیلو در سال 1998 در برزیل به بررسی تأثیر جنبش دانشجویی در سیاست‌های ملی برزیل پراخته است. دوره زمانی مورد بررسی در این پژوهش، فاصله زمانی 1962-1992 می‌باشد، دوره‌ای که عنوان "کودتا در کودتا" لقب گرفته است. این پژوهش نشان می‌دهد که جنبش دانشجویی برزیل مبین خواسته‌ها و مطالبات طبقه متوسط بوده و دوره کودتا در برزیل توسط مطالبات دموکراسی خواهانه جنبش دانشجویی به پایان رسیده است.

3. چارچوب نظری

از سازوکارهای مهم تغییرات اجتماعی در جوامع جدید جنبش‌های اجتماعی هستند. باتمور جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیش برد یا مقاومت در برابر دگرگونی اجتماعی در جامعه‌ی که خودبخوبی از آن راتشکیل می‌دهد تعریف می‌نماید (باتمور، 1366، ص. 56) از دیدگاه جامعه‌شناسی تعریف جنبش اجتماعی از مباحث مناقشه برانگیز است این مفهوم همانند انقلاب دارای تعاریف

متعددی است که در برخی موارد نظرات متضاد و متناقضی در آن به چشم می‌خورد. تجربه نشان می‌دهد که هر تعریف به اصطلاح جامع و مانع‌ی از جنبش اجتماعی، دست‌آخر به سبب کلی و مبهم بودن نارساست و برای شناخت این پدیده کافی نیست. پال ویلنکسون معتقد است این واژه تقریباً همه چیز برای همه کس است زیرا به علت مشابهت‌هایی که جنبش اجتماعی با سایر پدیده‌های رفتار جمعی دارد و به سبب تداخل بعضی خصوصیات آن‌ها با یکدیگر، به آسانی مورد اشتباه یا حتی مورد سوء تفاهم قرار می‌گیرد. از این رو لازم است جهت شناخت بهتر و دقیق‌تر این پدیده متفاوت یک جنبش را با سایر انواع رفتار جمعی و برخی پدیده‌های مشابه اجتماعی و سیاسی مشخص کنیم. (امین صارمی، 1393: 25) جنبش اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که گروه سازمان یافته‌ای در صدد برمی‌آید تا تحولاتی را چه سطحی و چه عمقی پدیدآورند این پدیده را از جمله اشکال کنش جمعی برای دستیابی به دگرگونی در برخی از جنبه‌های نظم موجود در جامعه تعریف کرده است (گیدنز، 1388: 671) گی‌روشه معتقد است؛ جنبش اجتماعی عبارت از سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص است که به منظور دفاع و یا گسترش و یا دستیابی به هدف‌های خاصی به گروه بندی و تشکیل اعضا می‌پردازد. (گی‌روشه، 1375: 164) آنچه که اصولاً جنبش اجتماعی را مشخص می‌سازد متقاضی و مدعی بودن آن است که سعی در شناساندن و پیروزی گرداندن ایده‌ها و منافع و ارزش‌های معینی را دارد، بدین منظور پیوسته سعی در افزایش اعضا و کوشش در جهت جلب توجه عامه و نخبگان جامعه می‌نماید. (امین صارمی، 1393: 26) از نظر واگو جنبش‌های اجتماعی یک کنش جمعی نسبتاً پایدار هستند که یا ترویج می‌یابند و یا در مقابل تغییرات مقاومت می‌کنند، تعریف میشود و رهبریت در آن توسط پاسخ‌گیر رسمی اعضای آن مشخص می‌شود و این دسته از کنش‌های اجتماعی معمولاً دوره‌ی زمانی مشخصی دارند (واگو، 1372: 209، 208).

از نظر باتامور جنبش اجتماعی را می‌توان به معنای کلی مجموعه‌ای از تلاش‌ها جهت تشویق دگرگونی در جامعه و یا در مخالفت با انجام آن تعریف کرد که در بخشی از جامعه شکل می‌گیرد اما باید گفت که نسبت به حزب سازمان یافتگی ضعیفی دارد و تعلق داشتن به آن از روی حمایت از نگرش اجتماعی خاص یا آیینی است. جنبش‌های اجتماعی بر خلاف احزاب در متعهد بودن به برخی امور سیاسی بیشتر بی‌طرفند و به نسبت موفقیت در زیر سوال بردن مشروعیت سیستم سیاسی روش‌های متفاوتی اعمال می‌کنند. این جنبش‌ها اگر ابعاد بزرگ داشته باشند به سوی ایجاد چندین

گروه سیاسی متنوع گرایش پیدا می‌کنند. لذا شرط اساسی موفقیت جنبش‌های اجتماعی اول این است که باید دارای آیینی باشد که هیجان و تعهد فعالیت سیاسی را به وجود آورد که می‌تواند به مسائلی چون آزادی بخشی ملی و در راستای یک طبقه و غیره عمل کند و دارای هدف کلی باشد و جامعه‌جانمایی را مشخص کند. دوم باید با گروه‌های سیاسی سازمان یافته تری به تغییر و یا دستگیری، سازمانهای سیاسی پردازند (باتامور، 1380: 48، 55-56).

از نظر گی روشه نیز جنبش‌های اجتماعی تلاش دارند که ایده‌ها و منافع و ارزشهای معینی را به پیروزی برسانند و اهداف بسیار متفاوتی را دنبال میکنند. ابزار این جنبش‌ها از تبلیغات و تحت فشار قرار دادن افکار عمومی تا خشونت متفاوت است و همیشه با یک اساس فکری جدید همراه است (گی روشه، 1374: 129) گی روشه می‌گوید: «جنبش اجتماعی عبارت است از سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص که به منظور دفاع یا گسترش یا دست‌یابی به هدف‌های خاصی به گروه بندی و تشکل اعضا می‌پردازد و درصدد برمی‌آید تا عناصری را از جامعه تغییر دهد یا آن‌ها را حفظ کند» (گی روشه، 1374: 164) از نظر آلن تورن جنبش‌های اجتماعی گُنش کشمکش آمیز بازیگران یا گروه‌های اجتماعی هستند که برای کنترل منبع‌هایی که ارزشمند است و کنترل جهت‌گیری‌های با اهمیت و هدف‌های مهم تاریخی جامعه مبارزه می‌کنند. بلومر جنبش‌های اجتماعی را این‌چنین تعریف می‌کند: «جنبش اجتماعی یا نهضت اجتماعی، کوششی جمعی جهت دگرگون‌سازی حوزه یا جزئی مشخص‌تر از روابط مستقر در یک جامعه و یا به منظور پدید آوردن تغییری بزرگ و هدایت نشده در روابط اجتماعی با مشارکت گروه بسیاری از افراد است. (به نقل از شرفی، 1388: 1) گی روشه معتقد است؛ جنبش اجتماعی عبارت از سازمانی کاملاً شکل گرفته و مشخص است که به منظور دفاع و یا گسترش و یا دستیابی به هدف‌های خاصی به گروه بندی و تشکل اعضا می‌پردازد. (گی روشه، 1375، ص. 164) وی جنبش‌ها را زیر مجموعه تغییرات اجتماعی دانسته و سه اصطلاح که از آنها در تغییرات اجتماعی سخن به میان می‌ورد عوامل تغییر (ساختارها)، شرایط تغییر و کارگزاران تغییر (کشندگان اجتماعی) می‌داند. (گی روشه 1375، ص. 32).

4. روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که در پژوهش‌های گذشته به موضوعی با عنوان "تأثیر عوامل اقتصادی و سیاسی بر جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی" تواما باهم پرداخته نشده است بنابراین در این تحقیق با رویکردی

کیفی وبا استفاده از روش داده بنیاد مدل جنبش دانشجویی و مناسبات اقتصادی و سیاسی در دهه های پس از انقلاب تدوین گردیده است. در این راستا پرسش اصلی پژوهش به شرح زیر بوده است:

جنبش دانشجویی چگونه بوجود می آید؟ و چه عواملی باعث جنبش می شود؟ و چه رابطه ی بین جنبش دانشجویی با عوامل اقتصادی و سیاسی وجود دارد؟

در راستای پاسخگویی به پرسش اصلی و پر کردن خلاء نظری موجود پرسش فرعی زیر تدوین می شود.

-تاثیر عوامل اقتصادی بر جنبش دانشجویی چگونه است؟ و از چه راهی می تواند بر جنبش تاثیر گذار باشند؟

-تاثیر عوامل سیاسی بر جنبش دانشجویی چگونه است؟ و از چه طریقی می تواند بر جنبش تاثیر گذار باشند؟

در نظریه پردازی داده بنیاد، گردآوری اطلاعات تازمانی ادامه می یابد که پژوهش به اشباع برسد، یعنی زمانی که پژوهشگر از داده ها اشباع شد و یقین یافت که از داده ها بی نیاز است و هیچ اندیشه و مفهوم جدیدی پدید نیامده و معانی، اندیشه ها و مفاهیم در دور و تسلسل افتادند، نمونه متوقف می شود. به این نوع نمونه گیری، نمونه گیری نظری می گویند. پس از جمع آوری داده ها برای تحلیل و تفسیر تا حصول به استنباط نظری در این تحقیق پس از اشباع نظری، از فرآیند 1. کدگذاری باز ا کدگذاری محوری 2 کدگذاری انتخابی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش دبیران اتحادیه های تشکل های دانشجویی از ابتدای انقلاب تا کنون می باشند که با مشورت از متخصصان تحلیل جنبش دانشجویی و تعداد افراد مصاحبه شده 15 نفر بوده اند. این افراد به روش نمونه گیری هدفمند از نوع شبکه ی یا زنجیره ی انتخاب شده اند. در بررسی پیشینه و چارچوب پیشنهادی، روش مرور نظری (کتابخانه ای) و از مصاحبه نیمه ساختار یافته در مرحله داده برداری استفاده شده است.

جهت اعتباریابی چارچوب پیشنهادی در این تحقیق براساس شاخص های ارزیابی مقبولیت کوربین واشتراوس (2007) برای اعتبار درونی عمل شده است. به طوری که برای شاخص تناسب یافته های پژوهش توسط سه نفر از متخصصین جامعه شناسی سیاسی مورد ارزیابی، پایالایش و تایید قرار گرفته

1 open Coding

2 Axial Coding

است، برای شاخص کاربردی بودن، یافته های پژوهش از لحاظ علمی و عملی و قابل کاربرد در اداره تشکل های اسلامی دانشجویان و نهاد های تصمیم ساز در عرصه سیاست های فرهنگی می باشد. از نظر شاخص مفاهیم، تعدادی از مفاهیمی که در ادبیات و پیشینه مباحث مرتبط با جنبش دانشجویی مورد توجه قرار گرفته اند به دقت بررسی شده و دیدگاه های مختلف در مورد آن بیان شده اند. از نظر شاخص زمینه یابی مفاهیم، یافته های حاصل از پژوهش کنونی نیز در بستر تشکل های دانشجویی بیان شده است. از حیث منطقی بودن روایت پژوهش تلاش شده است که یافته های پژوهش معنادار بوده و به واقعیت ها ارتباط داشته باشند. همچنین از نظر شاخص، عمق یافته های پژوهش به طور مفصل، همراه با جزئیات و با توجه به مصادیق و ابعاد ارائه شده اند. از نقطه نظر شاخص انحراف، یافته هایی که با الگوی پژوهش تناسب نداشتند نیز در بخش های مختلف از جمله بخش بحث و نتیجه گیری مورد اشاره قرار گرفته اند. از نظر شاخص بداعت، در پژوهش حاضر نوآوری و بیان مفاهیم و ابعاد بدیع مورد توجه پژوهشگر قرار گرفته است. که می توان به مفاهیمی مانند تاثیر "دترمینیسم تاریخی" بر جنبش دانشجویی، "نازایی روشنفکری" و... اشاره کرد. از نقطه نظر شاخص حساسیت، موضوع و فرآیند پژوهش کنونی برای پژوهشگر مهم و جذاب بوده و از این رو تلاش کرده است در انجام آن جدیت وجود داشته باشد و در حین انجام پژوهش پرسش های بسیاری برای پژوهشگر ایجاد شود و نسبت به آنها حساسیت نشان داده شده است. و از نظر شاخص استفاده از یادداشت ها در پژوهش کنونی یادداشت ها و یادآوری های متعددی در حین پژوهش به ثبت رسید که در طی فرآیند تجزیه و تحلیل و مدل سازی بسیار مورد استفاده قرار گرفتند.

در جهت اعتبار بیرونی چارچوب پیشنهادی نیز از "قابلیت انتقال پذیری" استفاده شده است. قابلیت انتقال از نظر مفهومی شبیه تعمیم پذیری در مطالعات کمی است (استومل و ویلز: 2004) برای تایید این شاخص نسبت به ارایه جزئیات بیشتر در رابطه با شرکت کنندگان و خصوصیات محیط به افزایش تناسب داده ها با محیط تحت مطالعه (نمونه گیری نظری) انجام شد، جهت تایید انتقال پذیری نیز یافته ها با نمونه هایی که در مطالعه شرکت ندارند در میان گذارده شد و نظرات آنها پیرامون تناسب یافته ها مورد بررسی قرار گرفت که تناسب یافته ها مورد بررسی قرار گرفت که تناسب یافته ها مورد تایید قرار دادند. همچنین توسعه و توصیف غنی از مجموعه داده های مطالعه مورد نظر در طول مرحله گردآوری داده ها که این امر می تواند پتانسیل های قابلیت انتقال را افزایش دهد مد نظر قرار گرفته و در نهایت، استفاده از رویه های ویژه کد گذاری و تحلیل اسناد و مکاتبات و نماد ها و نشان ها

وسایر موارد در مرحله تحلیل داده که به اطمینان از قابلیت انتقال کمک می‌کند. مدنظر محقق قرار گرفته است.

یافته های پژوهش

همانطور که در چارچوب پیشنهادی گفته شد ارتباطی بین جنبش دانشجویی با عوامل سیاسی، اقتصادی وجود دارد و به عبارت دیگر عوامل سیاسی و اقتصادی می‌توانند زمینه سازی مانع جنبش دانشجویی باشند. در این پژوهش از تئوری داده بنیاد جهت توسعه مدل و سازماندهی داده های جمع آوری شده از مصاحبه ها استفاده شده است سه طرح یا شیوه برای انجام نظریه داده بنیاد وجود دارد شیوه سیستماتیک که توسط کوربن و اشتراس ۱۹۹۰ مطرح شد و با سوالات ساختارمند روابط بین ابعاد مدل را هم نشان می‌دهند (دو) شیوه ناخاسته یا رهیافت ظاهر شونده که توسط گلیزر ۱۹۹۲ توسعه داده شد مبنای پژوهش حاضر نیز همین شیوه است که به نظریه داده بنیاد کلاسیک نیز مشهور است (سه) شیوه سازگارا که توسط کئی چارمز در سال ۲۰۰۰ توسعه داده شد (بازرگان، ۱۳۹۶، ص ۹۶) روش ناخاسته برخلاف طرح سیستماتیک که رویکردی ساختارمند بر روش نظریه داده بنیاد دارد و مقوله ها را در این چارچوب قرار می‌دهد و همچنین بر خلاف طرح اقتضائی خانم کئی چارمز که موضوع فلسفی این رویکرد را دارای برداشتی می‌داند که در دامنه طیفی از اثبات گرایی گلیزر و اشتراس و کوربن تا پسامدرن نسبت می‌دهند به این امر تاکید می‌شود که باید این امکان را فراهم کرد که نظریه از داده‌ها تکوین یابد نه اینکه مقوله های ویژه ای در این راه مورد نظر قرار گیرد و بیش از اندازه بر قواعد و شیوه‌ها تاکید نمود (بازرگان، ۱۳۹۶، صص. ۱۰۵-۱۰۳)

1.5. کدگذاری باز

کدگذاری باز جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده ها نام گذاری و طبقه بندی کردن داده ها انجام می‌شود برای طبقه بندی دقیق مفاهیم در مقوله ها هر مفهوم بعد از تفکیک برچسب خورده و داده های خام به وسیله بررسی دقیق متن مصاحبه ها مفهوم سازی شدند داده های جمع آوری شده از مصاحبه شوندگان کدگذاری شدند تا به شکل راحت تری شباهت ها و تفاوت ها شنیده شوند جدول شماره یک نمونه کد گذاری اولیه در کدگذاری باز برای علل اصلی ضعف جنبش دانشجویی آورده شده است کدگذاری محوری همان طوری که گفته شد در این پژوهش با تکیه بر روش ناخاسته برای توسعه مدل جنبش دانشجویی مبتنی بر روابط عوامل سیاسی و اقتصادی بهره برده شده است در این راستا دو الگو توسعه داده شده است یکی الگوی تشخیص و تبیین ضعف جنبش دانشجویی و

دیگری الگوی تجویزی توسعه جنبش دانشجویی بر مبنای عوامل سیاسی و اقتصادی در جهت رفع ضعف جنبش دانشجویی برای هر دو الگو کدگذاری باز کدگذاری محوری کدگذاری انتخابی برای مقوله اصلی بهره برده شده است اما جای دادن مقوله ها در دو الگو بر اساس ابتکار و خلاقیت محقق و مشاهدات و برداشت‌ها از مصاحبه ها بوده است.

جدول شماره 1: نمونه کد گذاری اولیه باز در کدگذاری باز برای علل اصلی ضعف جنبش دانشجویی

مقوله های فرعی	کدهای باز استخراج شده از مصاحبه	متن مصاحبه
عوامل سیاسی موثر بر جنبش دانشجویی	گفتمان دموکراسی	از سال 74 فضای دانشگاه سیاسی تر شد و در مقاطعی جنبش دانشجویی تابع دولت و گاهی برعکس بود اوج فعالیت های دانشجویی آخر 75 تا 78 بود که البته دیگر تکرار نخواهد شد جلسات متعدد و زد و خورد بحث های سیاسی از دانشگاه به جامعه رفت
نابسامانی اقتصادی	سکوت جنبش دانشجویی	مسئله معیشت و اقتصاد از سال 1396 مسئله اول جامعه شد و جنبش دانشجویی تحت تاثیر وضعیت نابسامان اقتصادی قرار گرفت و به محاق رفت
اوج گیری لیبرالیسم	غلبه آزادی بر عدالت	فروپاشی شوروی سابق (1991م) تعادل بین دو گروه چپ مارکسیستی و راست لیبرالی رادر بین دانشجویان به هم میزند و عقبه تئوریک چپ در دانشگاهها از بین می رود. در پی این سقوط

		<p>جریان لیبرال پررنگ تر و در جهان و ایران قوی ترمی شوند. در ایران همین تفکر اثر گذاشت و در اوایل دهه هفتاد متفکران جدید جریان لیبرالی در حوزه سیاسی دانشگاه‌ها اثرگذار شدند</p>
<p>افسول اسلام ایدئولوژیک</p>	<p>القائناکارآمدی دین</p>	<p>در مرکز استراتژیک ریاست جمهوری دولت آقای هاشمی، تفکرات آقای سروش، مجموعه راه نو، آقای علوی تبارو... با موضوعات شبهات در حوزه کارکرد دین جایگاه دین و سیاست و ایدئولوژی مطرح و در دانشگاه نیز رسوخ می یابد و همین‌ها هم در بدنه انجمن اسلامی دانشجویان رخنه کرد. این تفکر در درون دانشگاه‌ها مطرح می‌شود کم کم در بین دانشجویان ترم جدید هم تفکرات لیبرالی شروع به رشد کرد و باعث شد که مجموعه‌های دانشجویی به این سمت گرایش پیدا کنند.</p>

2.5. الگوی تشخیص و تبیین

این الگو برای شناخت زمینه‌ها و علت‌های ضعف جنبش دانشجویی پس از انقلاب اسلامی تدوین شده است تمامی مقاله‌های فرعی و اصلی این الگو بر اساس ابتکار محقق و با بررسی عمیق و اکتشافی از متن مصاحبه‌ها و کدهای باز سازمان یافته از آن‌ها توسعه یافته است این الگو از سه مقوله اصلی علل ضعف یاسکون و تغییر مسیر جنبش دانشجویی نشانه‌های افت شاخص‌های جنبش دانشجویی و عواقب ضعف جنبش دانشجویی و 10 مقوله‌ای فرعی بر اساس جدول شماره ۲ توسعه داده شده است.

جدول شماره: (2) کدهای باز، مقوله های فرعی و مقوله های اصلی شناسایی شده برای الگوی تشخیص و تبیین ضعف جنبش دانشجویی

شاخص ها(کدهای باز)	مقوله های فرعی(کدهای محوری)	مقوله های اصلی
اقتدار گرایی دولت هایی مانند دولت سازندگی و عدالت بی اثر دانستن فعالیت های جنبش دانشجویی	تضاد دولت ها با جنبش دانشجویی	
فاصله روشنفکران با جامعه (برج عاج نشینی) کلی نگر بودن روشنفکران، نداشتن گفتمان نو و جذاب، ادبیات روشنفکران برآورده کننده نیاز دانشجویان نیست، نازایی روشنفکری	عزت روشنفکران	
تبدیل تشکل های سیاسی دانشجویان به باشگاه سیاسی احزاب، حمایت مادی و معنوی از جنبش دانشجویی در جهت منافع حزبی، دخالت احزاب در مدیریت دانشگاهها	سوء استفاده احزاب از جنبش دانشجویی	علل ضعف جنبش
امنیتی شدن فضای دانشگاهها با صلب شدن قوانین، افزایش هزینه فعالیت های سیاسی دانشجویی، رفتار سخت گیرانه هیات سه نفره ناظر برتشکل های دانشجویی، عدم حمایت مالی از فعالیت های تشکل های سیاسی	قوانین غیر منصفانه دانشگاهها	دانشجویی پس از انقلاب اسلامی
فقدان آزادی پس از بیان برای استادان، عدم رابطه	بی تاثیری استادان دانشگاهها	

تشکیلاتی با دانشجویان، تفاوت نسلی بین استادان و دانشجویان،		
تغییر گفتمان جنبش دانشجویی از استکبارستیزی و استبدادستیزی، رشد جریان های التقاطی و تقدم سیاست بر معنویت	فاصله از آرمان های انقلاب	نشانه های افت جنبش دانشجویی
کاهش اعتماد به سیستم، فاصله با ارزش ها، کاهش سرمایه اجتماعی سیاسی و فرهنگی، نیمه تعطیل شدن تشکلهای، کاهش عضویت در تشکلهای	کاهش مشارکت	
رشد تشکل های صنفی بجای تشکل های سیاسی	صنفی و رفاهی شدن	
رشد عقلانیت و خردگرایی، اولویت مباحث اقتصادی بجای امور سیاسی، مصرف گرا شدن	رشد فرد گرایی دانشجویان	
عدم صدور بیانیه و موضع گیری در رخدادها، تعطیلی نشریات دانشجویی، کاهش نشست های سیاسی و دوره های آموزشی	تغییر از عامل جریان ساز پیشرو به موضع انفعال	عواقب ضعف جنبش دانشجویی
تغییر گفتمان به دمکراسی خواهی، رشد تفکرات لیبرالیستی،		
تغییر خواسته های دانشجویان، رشد جریان های مارکسیستی و لیبرالیستی	رشد جریان های التقاطی	

3.5. الگوی توسعه جنبش دانشجویی مبتنی بر عوامل زمینه ی اقتصادی و سیاسی

این الگو بر تحلیل نقاط ضعف جنبش دانشجویی متکی بر شاخص های جنبش دانشجویی پرداخته است. این الگو دارای پنج مقوله اصلی ماهیت های تقویت کننده دو پدیده محوری عوامل زمینه ی اقتصادی و سیاسی، نتایج و راهبردها و 20 مقوله فرعی بر اساس جدول شماره 3 توسعه داده شده است.

جدول شماره (3): کدهای باز، مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی شناسایی شده برای الگوی توسعه جنبش دانشجویی بر مبنای عوامل زمینه‌ی اقتصادی و سیاسی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی (کدهای محوری)	شاخص‌ها (کدهای باز)
ماهیت تقویت‌کنندگی	کمال‌گرایی (آرمان‌گرایی)	استکبارستیزی، استبدادستیزی، اصولگرایی
	ایدئولوژی	باور مشترک، اعتقادات، نگرش‌ها، جهان‌بینی
	مطالبه‌گری	عدالت‌خواهی، فسادستیزی، روشنگری، پرسشگری
	تقدم‌عبودیت بر سیاست	تقویت روحیه تعبد، توحید‌گرایی، تلاش برای دگرخواهی
	فرا ساختار	پیش‌تاز نسبت به دولت، تحول‌آفرین، رفتار انقلابی
	عدم وابستگی با دولت	منتقد دولت‌ها، توسعه سیاسی
پدیده محوری اقتصادی	کاهش مشارکت جنبش دانشجویی	توزیع ناعادلانه ثروت و امکانات اقتصادی
	عصیان‌روانی و سرخوردگی دانشجویان	رشد مفاسد اقتصادی
	نوامیدی در فعالیت دانشجویی	بحران بیکاری و عدم اشتغال پس از تحصیل
	غلبه اقتصاد بر جنبش	کسب درآمد حین تحصیل

عدم کارایی گفتمان سیاسی دولت ها	بد بینی به دولت ها	پدیده محوری سیاسی
عملکرد رادیکالی و انحصار طلبانه جنبش دانشجویی	سیاست گریزی دانشجویان	
دولتی شدن بخشی از جنبش دانشجویی	افول استقلال طلبی جنبش	
سیاست اقتصاد خصوصی (دولت حداقلی در آموزش عالی)	بی تحرکی سیاسی	نتایج
ناکارآمدی گفتمان های سیاسی دولت های اصلاح طلب و اوصولگرا	اتمام فاز سیاسی جنبش دانشجویی	
سیاست نئولیبرالی دولت ها	صنفی شدن جنبش دانشجویی	
بازتولید نظام ارزشی	هویت یابی	واهبدها
تغییر نظام آموزش پژوهش (دانشگاه نسل دوم)	ظهور دانشگاه برای تحقق اقتصاد دانش بنیان (دانشگاه نسل سوم)	
توجه به افکار و شخصیت سیاسی و اجتماعی دانشجویان	تقویت نظام مردم سالاری	
خروج از اسلیمار و ابزاری شدن جنبش توسط جریانها، احزاب و بنگاههای سیاسی	توسعه مطالبه گری و عدالت خواهی	

جنش دانشجویی مظهر اراده عمومی	خرد ورزی قانون مداری وفانی در منافع ملی
اتخاذ استراتژی و دکترین	فعالیت سیاسی مداوم با برنامه
تولید ادبیات جدید در تحقق سریع تر آرمانهای انقلاب	پرهیز از نقش ارتجاعی و منفی جنش دانشجویی

4.5 استخراج چارچوب بر اساس دو الگوی پیشنهادی در کدگذاری های انجام شده

از آنجایی که در این پژوهش از رویکرد نوحاسته در روش نظریه پردازی داده بنیاد برای تحلیل جنش دانشجویی مبتنی بر عوامل زمینه‌ی سیاسی و اقتصادی بهره برده شده است بنابراین قرار دادن مقوله‌ای اصلی و محوری بر اساس ابتکار محقق بوده و چهارچوب مستخرج از کدگذاری های انجام شده در شکل شماره ۱ آورده شده است. این چارچوب فرآیندی در راستای تحلیل اجتماعی جنش اجتماعی بر مبنای عوامل سیاسی و اقتصادی می باشد که در آن در فاز تشخیص در ابتدا به علل نشانه‌ها و عواقب ضعف جنش دانشجویی در دانشگاه‌ها پرداخته شده است از جمله عللی که برای تضعیف جنش دانشجویی در این پژوهش یافته شده است می‌توان به اقتدارگرایی و بی اثر دانستن فعالیت های جنش دانشجویی در دولت هایی مانند دولت سازندگی و عدالت، فاصله روشنفکران با جامعه (برج عاج نشینی) کلی نگر بودن روشنفکران، نداشتن گفتمان نو و جذاب، ادبیات روشنفکران برآورده کننده نیاز دانشجویان نیست، نازایی روشنفکری، تبدیل شکل های سیاسی دانشجویان به باشگاه سیاسی احزاب، حمایت مادی و معنوی از جنش دانشجویی در جهت منافع حزبی، دخالت احزاب در مدیریت دانشگاهها، امنیتی شدن فضای دانشگاهها با صلب شدن قوانین، افزایش هزینه فعالیت های سیاسی دانشجویی، رفتار سخت گیرانه هیات سه نفره ناظر بر تشکل های دانشجویی، عدم حمایت مالی از فعالیت های تشکل های سیاسی، فقدان آزادی پس از بیان برای استادان، عدم رابطه تشکیلاتی با دانشجویان، تفاوت نسلی بین استادان و دانشجویان می باشد. نشانه های افت جنش دانشجویی تغییر گفتمان جنش دانشجویی از استکبارستیزی و استبدادستیزی، رشد جریان های التقاطی تقدم سیاست بر معنویت کاهش اعتماد به سیستم، فاصله با ارزش ها، کاهش

سرمایه اجتماعی سیاسی و فرهنگی، نیمه تعطیل شدن تشکلهای، کاهش عضویت در تشکلهای تشکل‌های صنفی بجای تشکل‌های سیاسی است. از عواقب ضعف جنبش دانشجویی رشد عقلانیت و خردگرایی، اولویت مباحث اقتصادی بجای امور سیاسی، مصرف‌گرایی شدن عدم صدور بیانیه و موضع‌گیری در رخدادها، تعطیلی نشریات دانشجویی، کاهش نشست‌های سیاسی و دوره‌های آموزشی تغییرگفتمان اسلام‌خواهی به دموکراسی‌خواهی، رشد تفکرات لیبرالیستی، تغییر خواسته‌های دانشجویان، رشد جریان‌های مارکسیستی و لیبرالیستی می‌باشد.

در الگوی تجویز ارائه شده در چهارچوب دوم این پژوهش دو پدیده محوری وجود دارد اول دولت‌ها که در واقع همان جنبه‌ای است که با جنبش دانشجویی ارتباطی مستقیم دارد و نقش آن در توسعه یا افول جنبش دانشجویی نادیده گرفته شده است یعنی نوع نگاه دولت‌ها به دانشگاه‌ها و جنبش دانشجویی و روابط بین آنها و تاثیر آن بر جنبش دانشجویی نادیده گرفته شده است. پدیده محوری دوم در این چهارچوب نقش روشنفکران در جنبش دانشجویی می‌باشد یعنی گروهی که بیرون از ساختار دانشگاه‌ها حضور دارند و به عنوان ذهن جامعه خواه ناخواه با ساخت قدرت سیاسی برخورد پیدا می‌کنند که یا ساختارها بر آنها غلبه می‌کند و یا در امور با دولت‌ها مشارکت و دخالت می‌کنند یا به انتقاد پرداخته و ارزش‌های جدیدی را ایجاد می‌کنند و توانایی انتقال هر کدام از رویکردها را به دانشجویان دارا هستند.

در این مدل ماهیت‌های تقویت‌کننده جنبش دانشجویی شامل موارد: کمال‌گرایی (آرمان‌گرایی)، ایدئولوژی، مطالبه‌گری، تقدم عبودیت بر سیاست، فرا ساختار، عدم وابستگی به دولت می‌باشد. وجود هر یک از پدیده‌های ذکر شده در بخش ماهیت‌های تقویت‌کننده می‌تواند باعث رونق جنبش دانشجویی باشد.

نتیجه‌گیری:

این پژوهش به دنبال طراحی چهارچوبی برای تحلیل اجتماعی جنبش دانشجویی بر مبنای توسعه جنبش دانشجویی مبتنی بر عوامل زمینه‌ی سیاسی و اقتصادی پس از انقلاب اسلامی بوده است. که با اتخاذ روش نظریه داده بنیاد با رویکرد نوحاسته به دنبال کشف مجموعه‌ای از عوامل موثر بر جنبش دانشجویی در قالب چهارچوبی برای تحلیل آن بر مبنای عوامل اقتصادی و سیاسی بوده است

در این راستا بررسی نتایج پژوهش‌های پیشین چون جعفر هزارجریبی، غلامرضا کریمی، عباس فرهادی (1393) نشان داده است که عوامل سیاسی مانند گروه‌های فعال سیاسی درون و بیرون دانشگاه و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی بر جنبش دانشجویی موثر است سجادی (1394) ظهور و بروز جنبش دانشجویی را با ساختار و کارکرد نظام سیاسی دارای ارتباط تنگاتنگی می‌داند. شهناز کریمی (1388) جنبش دانشجویی را تحت تاثیر گفتمان دولت‌ها می‌داند. میلتن مکاف و ریچارد فلکس (1971) بررسی تغییرات زمینه‌های اجتماعی شرکت‌کنندگان در شورش‌های دانشجویی می‌پردازد و عواملی از قبیل استبدادی بودن ساختارهای سیاسی آمریکا را بررسی می‌کنند که با یافته‌های تحقیق هم‌خوانی دارد.

از دیگر یافته‌های مهم این تحقیق اشاره به مطالبه‌گری به عنوان یک ماهیت تقویت‌کننده برای جنبش دانشجویی است که با یافته‌های جلائی پور (1389) که اهداف دائمی جنبش دانشجویی را تقویت عرصه عمومی نقد می‌داند و مطلبی (1394) که بیان می‌دارد، جنبش دانشجویی مطالبات خود و مردم را به حکومت‌کنندگان تزریق می‌کنند هم‌خوانی دارد.

از دیگر یافته‌های این تحقیق موثر بودن ایدئولوژی به عنوان ماهیت‌های تقویت‌کننده در این زمینه است که با گفته‌های نحعی (1395) که ایدئولوژی اسلام‌گرایی را عامل موفقیت جنبش دانشجویی می‌داند هم‌خوانی دارد. همچنین کریمیان (1390) جنبش دانشجویی را نیازمند به ایدئولوژی‌های منسجم و سنجیده انقلابی و یا اصلاح طلب می‌داند. از دیگر یافته‌های این پژوهش اهمیت آرمان‌گرایی (کمال‌گرایی) بر جنبش دانشجویی است که به عنوان تقویت‌کننده در این زمینه است و با گفته‌های کریمیان (1390) که یکی از مهم‌ترین کارکردهای جنبش دانشجویی را نقد وضعیت موجود و دستیابی به آرمان‌ها و آرزوهای اجتماعی دانشجویان مطرح می‌کند هم‌خوانی دارد.

در این راستا، راهبردهایی چون هویت‌یابی برای تشکل‌های دانشجویی با رویکرد بازتولید نظام ارزشی، تغییر نظام آموزشی از دانشگاه نسل دو به دانشگاه نسل سوم برای تحقق اقتصاد دانش‌بنیان، تقویت و تحقق نظام مردم‌سالاری و توجه به افکار و شخصیت سیاسی و اجتماعی دانشجویان، توسعه مطالبه‌گری و عدالت‌خواهی در جهت خروج از استثمار و ابزاری شدن جنبش توسط جریان‌های سیاسی، احزاب و بنگاه‌های سیاسی، جنبش دانشجویی مظهر اراده عمومی است، تلاش برای تحکیم خرد ورزی، قانون‌مداری و فانی در منافع ملی شدن، اتخاذ استراتژی و دکترین متکی بر تعالی و پیشرفت نظام جمهوری اسلامی، فعالیت سیاسی مداوم تشکل‌های سیاسی دانشجویی و تولید

ادبیات جدید در تحقق سریع تر آرمان های انقلاب و پرهیز از نقش ارتجاعی و منفی جنبش دانشجویی توصیه می گردد.

کتابنامه:

1. اسماعیلی، حمیدرضا. (1398) ایدئولوژی اصلاحات، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
2. اشرف زاده بردار، محمد. (1384) انقلاب فرهنگی در دانشگاه های ایران، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی و انقلاب
3. آیت الله خامنه ای، سیدعلی. (1377) بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه تهران، بازبایسته در 22 اردیبهشت 1377
4. باتامور، تی بی. (1372) برگزیدگان و جامعه (مترجم: علی هاشمی گیلانی، چ اول، 1372) مشهد: انتشارات مرندیز
5. باری موریس (1383) مدرنیته سیاسی (مترجم: عبدالوهاب احمدی¹ 1383) تهران: نشر آگه
6. بازرگان، ع. (1396) مقدمه ی بر روش های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری، چ هشتم، تهران: نشر دیدار
7. بشیریه، حسین. (1380) دیباچه ی بر جامعه شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات نگاه معاصر
8. جلایی پور، حمیدرضا (1397). تحلیل جنبش های دانشجویی، روزنامه همشهری 15 آذر 1395، ص 2
9. جلایی پور، حمیدرضا (1389) (جنبش دانشجویی در ایران باتاکید بر فعالیت های دانشجویی در دوره اصلاحات "1376-1384") مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، 1(3)، صص 179-213
10. جمالی، حسین. (1380) تاریخ و اصول روابط بین الملل، تهران، نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه
11. قادری، حاتم. (1382) جنبش دانشجویی امروز دیروز فردا، تهران: نشر نی
12. خرمشاد، محمدباقر (1384) «جنبش دانشجویی در ایران»: تأملی نظری، خردنامه (ضمیمه روزنامه همشهری 17 آذر 1384) صص 16-17
13. دژاکام، علی (1379) (روشنفکری از منظر شهید مطهری) دو ماهنامه ی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی اندیشه حوزه، 6 (24)، صص 8-15

14. دهخدا، (1346) لغتنامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ج 26، تهران: شرکت چاپ 128، ص 171.
15. رحمت الهی، حسین. (1398) تحول قدرت، چ دوم، تهران: نشر میزان
16. رکیبان، رشید (1397) تبیین رابطه دولت و جامعه در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، فصلنامه علوم سیاسی سیاست متعالی، شماره 20، صص 68-80
17. رکیبان، رشید (1394)، بررسی نظریه‌های دولت در جمهوری اسلامی ایران: تهران: نشر سخنوران
18. رکیبان، رشید (1395) نظریه دولت مطوب در اندیشه امام خمینی (ره) پژوهش نامه انقلاب اسلامی، شماره 19، صص 141-121
19. ریتز، جورج، ثلاثی، محسن. (1385) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، (چ یازدهم) تهران: انتشارات علمی
20. زیبا کلام، صادق (1393) احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه ایران، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره 29 (10) صص 7-28
21. شبکالی، علی (17 آذر 1377). «کارکردهای جنبش دانشجویی»، روزنامه همشهری، 17 آذر.
22. شریعتی، علی (1377) بازگشت (مجموعه آثار) ج 4، تهران: انتشارات الهام
23. عالم، عبدالرحمان (1380) بنیادهای علم سیاست، ن (چ هشتم) تهران: نشرنی
24. عالم، عبدالرحمان، (1384) مبانی علم سیاست، تهران، نشرنی
25. غفاری، غلامرضا، ابراهیمی لویه، عادل. (1390) تغییرات اجتماعی، چ هفتم، تهران: انتشارات لویه، آگرا
26. کریمیان، علیرضا، (1390) جنبش دانشجویی در ایران از تاسیس دانشگاه تاپروزی انقلاب اسلامی، چ دوم، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
27. گرامشی، آنتونیو. (1385) گزیده ای از آثار، چ 2، تهران: انتشارات بابک، ایتالیا
28. گرانیپایه، بهروز (1378) جنبش دانشجویی ایران، تهران: انتشارات جیبی
29. محسنی تبریزی، علیرضا، (1395) روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری، تهران، اطلاعات
30. مشیرزاده، حمیرا. (1381) درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره)

31. معین، محمد (1362) فرهنگ فارسی، ج 5، انتشارات امیرکبیر، تهران
32. منوچهر آریان پور کاشانی (1382) فرهنگ جامع پیشرو آریان پور، ج چهارم، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع رسانی جهان رایانه
33. جهانبخش، فروغ، جلیل، پروین (1385)، اسلام، دموکراسی و نوگرایی دینی در ایران از بازگان تاسروش، تهران: ناشر گام نو
34. نادری، عزت اله، سیف نراقی، مریم (1396) روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی، تهران: انتشارات ارسباران
35. نخعی، هادی. (1395) مرور توصیفی-تحلیلی تحولات پنج‌ساله سال جنبش دانشجویی، پیدایش، گسترش، افول (1309-1359)، ج اول، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام
36. نش، کیت. (1392) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
37. وینسنت، اندرو (1389) نظریه های دولت (مترجم: حسین بشیریه چاپ هفتم 1389 تهران: نشر نی
38. هولاب، رابرت؛ و هابرماس، یورگن (1397). نقد در حوزه عمومی (ترجمه حسین بشیریه، 1397 چاپ دهم) تهران: نشر نی
39. 1-Glaser, B. S., & Strauss, A. (1971). A. (1967). The discovery of grounded theory. New York, 581-629.
40. 2-Donald k. Emerson Student and Political Development Nation New York: Praeger 1967
41. 3-S.M. Lipset and P .G. Altabach Student in Revolt Boston Honughton Miffilin 1961
42. 4- Glaser, B. S., & Strauss, A. (1971). A. (1967). The discovery of grounded theory. New York, 581-629.
43. 5-Social Movement A dictionary of Modern Society New York Crowell 1969
44. 6-Rudolf Heberle Social Movements Appieto-Century-Croft New York 1951
45. 7-Hodges Graham. The Selling of Civil Rghits: The Student Nonviolert Coordinating Committee and the use of Public Relations New York: Routledge 2006
46. 8-Stommel, M., & Wills, CE. (2004). clinical research: concepts and principles for advanced practice nurses. Philadelphia. lippincott

Williams and wilkins

47. 9- Durkheim, emile, suicide: a study in sociology, new york, the free press, 1951/referred to in notes as suicide.hv65450812